



بررسی نقش و اعتقاد به مهدویت در تحقق عدالت جهانی از منظر نهج البلاغه

مریم حسینی^۱، احترام پناهی^۲

۱- کارشناسی کار و فناوری دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز

۲- کارشناسی ارشد الهیات گرایش علوم قرآنی دانشگاه علوم قرآنی فسا

چکیده

نهج البلاغه آینه ای است که سیمای پر فروغ قائم آل محمد(علیهم السلام) در آن گرچه اندک، ولی زیبا، پرجاذبه، نویدبخش، دل انگیز و تحرک آفرین تجلی کرده و همچون جام بلورینی است که زمزم سخنان علوی درباره فرزندش مهدی موعود(علیه السلام) در آن ریخته شده است. این مقاله در جهت طرح و تحلیل بررسی نقش و اعتقاد به به مهدویت در تحقق عدالت جهانی از منظر نهج البلاغه تنظیم گردیده است.

کلیدواژگان: نقش، اعتقاد، مهدویت، عدالت جهانی، نهج البلاغه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مقدمه

در عصری که جهالت مدرن، عالم و آدم را به سراشیب سقوط نزدیک نموده و بی عدالتی، ستم سالاری، معنویت ستیزی، اخلاق گریزی و هزاران فاجعه هولناک دیگر در جهان بیدامی کنند و آینده بشر هر روز تاریک تر شده، وحشت و ناامیدی رو به افزایش است، بحث از مهدویت از هر زاویه که انجام شود در حقیقت بحث از نویدها، سعادت ها، شادکامی ها، پیروزی معنویت، اخلاق، عدالت، تقوا، ترسیم آینده درخشان برای بشر و از جمله خواست‌های الهی و انسانی است. بنابراین، بحث و تحقیق درباره حضرت مهدی(علیه السلام) از ضروری ترین و مهم ترین رسالت‌های دین پژوهان در عصر کنونی محسوب می شود. و چون نام نهج البلاغه برای همگان، بخصوص نسل پویا و نواندیش و جوان، زیبا و دل انگیز است، طرح بحثی تحت عنوان «مهدی (عج) و مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه» ضروری می نماید و برای عاشقان حضرت مهدی (عج) مفید و پرجاذبه خواهد بود. نوشته حاضر سعی نموده است تا جلوه ای از سیمای پر فروغ حضرت مهدی(عج) را در آینه نهج البلاغه برای تحقق عدالت جهانی نشان دهد.

مهدویت و استمرار خلافت الهی

از جمله مسائل مهم و اساسی در بحث مهدویت، جریان خلافت الهی است؛ زیرا مسئله خلافت الهی در زمین، که خدای سبحان در قرآن کریم فرمود: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (بقره: ۳۰) همچون داستان سفینه نوح و یا کشتی حضرت موسی و خضر(علیهما السلام) و مانند آن ها نیست که یک موضوع شخصی و معینی بوده و سپری شده باشد، بلکه جریان خلافت یک فیض متصل و فوز مستمر است که از اول با اندیشه دوام و انگیزه استمرار طرح شده است، به گونه ای که اصل خلافت از قلمرو نبوت و رسالت فراتر رفته و به امامت رسیده است. به این دلیل، در بحث مهدویت، جریان استمرار خلافت الهی در زمین از مباحث ظریفی است که نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت.

از این رو، در نهج البلاغه در بحث ضرورت حجت در عالم، بر عنصر خلافت الهی در زمین تکیه شده است و حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در کلام مبسوطی در این باره می فرماید: «اللهم بلی، لاتخلوا الارض من قائم لله بحجة، اما ظاهراً



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مشهوداً و اما خائفاً مغموراً، لئلا تبطل حججُ الله و بیناته. و کم ذا؟ و این اولئک؟ اولئک و الله الاقلونَ عدداً و الاعظمونَ عندالله قدرأ. یحفظُ الله بهم حُجَّتَهُ و بیناته... اولئکَ خلفاءُ الله فی ارضِهِ و الدَّعَاةُ الی دینِهِ. آه! آه! شوقاً الی رؤیتِهِم.» حضرت در این فراز نورانی، که بخشی از کلام مبسوط ایشان است، می فرماید: آری خداوند، زمین هیچ گاه از حجت الهی که برای خدا با برهان روشن قیام کند، خالی نیست، یا آشکار و شناخته شده است، یا پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نروند، تعدادشان چقدر است؟ و در کجا هستند؟ به خدا سوگند که تعدادشان اندک است، ولی نزد خدا بزرگ مقدارند که خداوند به وسیله آنان، حجت ها و نشانه‌های خود را نگاه می دارد... آن ها جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند. آه، آه! چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم. در کلام پربرت امیرمؤمنان(علیه السلام) بر این نکته تأکید شده که بر اساس سنت قطعی الهی، زمین از وجود خلیفه خدا و حجت حق خالی نیست، گرچه حجت الهی گاهی آشکار است و همگان حضور او را درک می کنند، گاهی شرایط ایجاب می کند که از نظرها پنهان بوده و مردم به طور مستقیم از درک محض او محروم باشند. این نکته همان حقیقتی است که در مکتب اهل بیت(علیهم السلام) مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «لو بقیت الارضُ بغير امام لساخت»؛ ۲ اگر جهان لحظه ای بدون امام و انسان کامل باشد از هستی ساقط می گردد.

امام محمدباقر(علیه السلام) نیز می فرماید: «لو أن الامامَ رُفِعَ مِنَ الارضِ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»؛ ۳ اگر حجت الهی لحظه ای از زمین برداشته شود زمین همانند دریا دچار موج طوفان می گردد. این گونه کلمات ائمه اطهار(علیهم السلام)، بعدها زمینه مباحث ظریفی را در آثار بزرگان اهل حکمت فراهم نمود. شیخ اشراق با الهام مستقیم و صریح از کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) درباره ضرورت انسان کامل در عالم، با اصرار فراوان گفته است: «و لا یخلو الارضُ عن متوَعِّلٍ فی التَّأَلِّهِ ابدأ، بل قد یكونُ الامامُ المَتَأَلِّهُ مستولياً ظاهراً مکشوفاً، و قد یكونُ خفياً، و هو الَّذی سَمَّاهُ الكافَّةً بالقطب، فله الرئاسةُ و ان کانَ فی غایةِ الحُمُولِ.» ۴ حکیم نام برده در این بیان بر همان نکته ای اصرار ورزیده که در کلام ائمه هدی(علیهم السلام) بدان عنایت شده است؛ گفته: هیچ گاه زمین بدون انسان الهی و ربّانی نیست، اگرچه آن پیشوای متأله گاهی حاضر و آشکار و زمانی از نظرها پنهان است، و او همان کسی است که نوعاً در عرف، از او به قطب یاد می شود و او پیشوای همگان است، گرچه در نهایت خاموشی باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

از مجموع آنچه گفته شد، بخصوص سخنان امیرمؤمنان(علیه السلام)، به خوبی روشن می گردد که وجود حضرت مهدی موعود(علیه السلام) در عالم به عنوان حجت الهی و استمرار خلافت او در زمین ضرورتی انکارناپذیر دارد و جزو حقایق حتمی و قطعی نظام آفرینش است، به ویژه آنکه در روایات یاد شده، جریان ضرورت حجت الهی فراتر از مسائل شرعی و مدیریت اجتماعی مطرح شده و به عنوان نیاز قطعی نظام تکوینی به شمار آمده است؛ زیرا انسان کامل واسطه فیض الهی در عالم است و عالم و آدم در پرتو او، فیض الهی دریافت می کنند.

حضرت مهدی (عج) و عدالت جهانی

بی تردید موضوع تأمین «عدالت» عمومی ترین و شورانگیزترین مسئله در بحث مهدویت است و چون واژه «عدالت» در فرهنگ و اصطلاح نهج البلاغه، بلکه در تمام کلمات علوی بیت الغزل سخنان امیرمؤمنان(علیه السلام) است، از این رو، در بحث مهدویت نیز بر عنصر عدالت تکیه نموده و از پدید آمدن عدالت در ابعاد گوناگون در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) خبر داده است؛ می فرماید: «و سیأتی غدٌ بما لا تعرفونَ يأخذ الوالی من غیرها عمّالها علی مساوی اعمالها... فیریکم کیف عدل السیرة»؛ ۵؛ فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست خواهد آمد، زمام داری که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است، (مهدی) عمّال و کارگزاران حکومت‌ها را به اعمال بدشان کیفر خواهد داد... بدین روی، روشی عادلانه در حکومت حق به شمامی نمایاند.

و در جای دیگری فرماید: «الا و من ادرکها متّا یسری فیها بسراج منیر، و یخذوفیها علی مثال الصالحین لیحلّ فیها ربّاقاً و یعتق رقاً و یصدع شعباً و یشعب صدعاً»؛ ۶؛ بدانید آنکه از ما (مهدی) فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می نهد و بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و امامان(علیهم السلام)) رفتار می کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گم راه و ستمگر را پراکنده و حق جویان را جمع آوری می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، که از علمای بزرگ اهل سنت است، در ذیل این کلام حضرت می گوید: امیرمؤمنان علی(علیه السلام) یادآوری نموده است که مهدی آل محمد(علیهم السلام) در تاریکی فتنه ها با چراغ روشن ظهور می کند و مردم را از بردگی و اسارت رهایی داده و مظلومان ستم دیده را از دست ستمگران نجات می دهد.

در سخنان حضرت سه نکته اساسی به خوبی مورد توجه قرار گرفته اند:

اول. حضرت مهدی(علیه السلام) وقتی در برابر فتنه ها و بی عدالتی های اجتماعی قرار می گیرد با چراغ پرفروغ حکمت و درایت الهی وارد عمل شده، در پرتو دستورات وحی آسمانی و قرآن کریم، به ایجاد عدالت و خاموش نمودن شعله های بی عدالتی می پردازد.

دوم. تمام ستم دیدگان عالم توسط حضرت مهدی(علیه السلام) از قید اسارت های گوناگون و بی عدالتی رهایی یافته، زندگی همراه با سعادت و شادکامی برای آنان فراهم می گردد.

سوم. سیره عملی حضرت مهدی(علیه السلام) همان سیره صالحانی است که حضرت امیرمؤمنان در نهج البلاغه درباره آن ها فرموده: «اللّٰهُمَّ اَنْتَ تَعْلَمُ اَنْه لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مَتًا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسِ شَيْءٌ مِّنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَ لِيَكُنْ لِنُرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِيْنِكَ وَ نُظْهِرِ الْاَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُوْمُوْنَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُوْدِكَ.»^۸

در این کلام، بر خطوط کلی روش و عملکرد ائمه اطهار(علیهم السلام) که حضرت مهدی آخرین پرچمدار آن هاست، توجه داده شده، حضرت می فرماید: «خدایا تومی دانی آنچه از ناحیه ما (اهل بیت(علیهم السلام)) صورت می گیرد برای به دست آوردن قدرت و حکومت و ثروت دنیا نیست، بلکه می خواهیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خودش بازگردانیم و در سرزمین تو اصلاح پدید آوریم تا بندگان ستم دیده ات از محرومیت نجات یافته، با امنیت زندگی کنند و قوانین فراموش شده ات بار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

دیگر اجرا گردند.

بدین سان، معلوم است که از نظر نهج البلاغه، تأمین عدالت در همه ابعاد زندگی بشر، یکی از اهداف بزرگ دولت کریمه حضرت مهدی(علیه السلام) است و جهانیان در سایه حکومت الهی عدل گستر جهانی قائم آل محمد(علیهم السلام)، از هرگونه ستم و اسارت و بردگی نجات یافته، طعم شیرین عدالت را به خوبی خواهند چشید؛ چنان که در جای دیگر آمده است: روزی حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در اندیشه بود، شخصی از ایشان سبب تفکرش را جويا شد، حضرت در پاسخ فرمود: «تفکرتُ فی مولود یكونُ من ظهري، الحادی عشر من وُلدی، و هو المهدی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ ۹ درباره فرزند یازدهم خود مهدی می اندیشم که روزی ظهور خواهد کرد و زمین را از جور و ستم پاک نموده، لبریز عدالت خواهد کرد.

حضرت مهدی(علیه السلام) و آسایش اقتصادی بشر

یکی از رهاوردهای دولت کریمه مهدی موعود(علیه السلام)، که در نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته، تأمین رفاه و آسایش اقتصادی بشر در زمان حکومت آن حضرت است که از طریق وفور نعمت و برکت‌های زمینی و آسمانی تأمین می شود.

امیرمؤمنان(علیه السلام) درباره نعمت‌های زمین در عصر ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) می فرماید: «تخرجُ له الارضُ اقالیدَ کبدها و تلقی الیه سلماً مقالیدها»؛ ۱۰ در زمان ظهور حضرت مهدی، زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به اومی سپارد.

مسئله وفور نعمت و رفاه اقتصادی مردم در زمان حکومت حضرت مهدی(علیه السلام)، حقیقتی است که در روایات فراوان به آن اشاره شده است و از آن میان، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «... و تزیدُ المیاهُ فی دولته و تمدُّ الازهارُ و تُضعفُ الارضُ اکلها و ستخرجُ الكنوزُ»؛ ۱۱ در زمان برقراری دولت مهدی، آب ها فراوان می گردند و نهرها کشیده می شوند، برکات زمین افزایش می یابد و گنج ها استخراج می گردند.

در همین زمینه، عارف بزرگ سعدالدین حموی نیز بر مسئله آسایش و رفاه اقتصادی مردم در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

السلام) تأکید نموده و گفته است: «صاحب زمان که علم به کمال دارد، تمامت روی زمین را به عدل آراسته گرداند و تمامت گنج‌های روی زمین بر وی ظاهر گردند، هرچند صفت وی کنم از هزار یکی نگفته ام.» ۱۲

یکی دیگر از بزرگان اهل معرفت نیز گفته است: «در آیام حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) مردم روزگار سرسبز و پر طراوتی دارند، رزق و روزی در آن آیام فراوان می شود و مردم در کمال امنیت به عبادت خدای رحمان می پردازند.»

حضرت مهدی(علیه السلام) و اصلاح فکری – فرهنگی بشر

گرچه برداشت عمومی از تأمین عدالت در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) معمولاً عدالت اجتماعی و اصلاح امور اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت‌های جهانی است، اما حقیقت آن است که با ظهور مصلح کل، حضرت مهدی(علیه السلام)، عدالت و اصلاح در تمام شئون هستی پدیدمی آید و پیشه و اندیشه بشری اصلاح می گردد و عقل انسان ها در هر دو بعد علمی و عملی تعدیل می شود؛ بدین بیان که اکنون به سبب فاصله گرفتن بشر از معارف وحی، تمام قوای ادراکی و تحریکی او در مرداب افراط و تفریط گرفتار آمده و هر روز که بر جامعه بشری می گذرد، مکتب‌های جدیدی در شرق و غرب جهان پدیدمی آیند و طرح ها و الگوهای فکری، فرهنگی و سیاسی گوناگونی را عرضه می کنند و نسل‌های بشر را یکی پس از دیگری از مسیر انسانی منحرف کرده، در معرض سقوط فکری، فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی قرار می دهند. اما با ظهور ذخیره هستی، مهدی موعود(علیه السلام)، همه مکتب‌های غربی و شرقی و مذاهب گوناگون افراطی و تفریطی در هم پیچیده می شوند و بشر در سایه احکام و دستورات آسمانی، از گرداب هوا و هوس نجات می یابد و فکر و فرهنگ او اصلاح می شود.

در این باره، امیرمؤمنان(علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: «يعطفُ الهوى على الهدى إذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطف الرأى على القرآن إذا عطفوا القرآن على الرأى... و يُحیی مِيتَ الكتابِ و السِّنةِ»؛ ۱۴ (حضرت مهدی) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار داده اند، و در حالی که نظریه‌های گوناگون، خود



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

را بر قرآن تحمیل می کنند، او (مهدی) نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می گرداند.

ابن ابی الحدید در ذیل این کلام حضرت می نویسد: «این سخن امیرمؤمنان اشاره است به امامی که در آخرالزمان خواهد آمد و در روایات فراوان، از آمدن او خبر داده شده و با ظهور او، هدایت قاهره پدید آمده و عمل به رأی و قیاس از میان رفته، برابر قرآن کریم رفتار می شود.» ۱۵

همچنین در جای دیگری از نهج البلاغه از حضرت مهدی (علیه السلام) به عنوان «یعیسوب الدین» و کسی که مردم اطراف او را همانند ابر متراکم فرامی گیرند یاد شده و آمده است: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ فَرْعُ الْخَرِيفِ»؛ ۱۶ چون آن گونه شد، پیشوای دین قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او همچون ابر پاییزی گرد آیند.

مهدویت یا وراثت حکومت مستضعفان

از مسائل دیگری که در نهج البلاغه درباره جریان مهدویت بدان اشاره شده، این است که ظهور مهدی موعود (علیه السلام) به عنوان وارث حکومت مستضعفان جزء اراده و خواست حتمی الهی است که به طور یقین، روزی تحقق خواهد یافت؛ زیرا به گفته بعضی از بزرگان اهل حکمت، ۱۷ بشر از زمانی که در زمین سکنا گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده است و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نمی داشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد انسان ها نقش نمی بست؛ چنان که اگر غذایی نبود گرسنگی نبود، و اگر آبی نبود تشنگی تحقق نمی یافت. از این رو، به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشری پر از عدل و داد شود و مردم با صلح و صفا همزیستی نمایند و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند، و این آرزو و خواست عمومی به دست مهدی موعود (علیه السلام) تحقق خواهد یافت. از این رو، امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا، عَطْفَ الْفُرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)»؛ ۱۸ دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند؛ چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. پس حضرت این آیه را تلاوت نمود که خداوند می فرماید: اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذارده، آنان را امامان و وارثان حکومت ها گردانیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

ابن ابی الحدید ذیل این کلام حضرت می نویسد: «به اتفاق شیعه و سنی، این کلام حضرت علی(علیه السلام) اشاره به ظهور امامی است که در آخرالزمان پدیدمی آید و سراسر زمین را تحت حکومت خویش درمی آورد.» ۱۹

یکی از مسائل دیگری که در نهج البلاغه درباره حضرت مهدی(علیه السلام) آمده مسئله یاران و کارگزاران دولت کریمه آن حضرت است. امیرمؤمنان(علیه السلام) از کارگزاران دولت حضرت مهدی(علیه السلام) چنین یاد می کند: «ثم لیشخن فیها قومٌ شَخَذَ الْقَيْنَ النَّصْلَ، تجلی بالتنزیل ابصارهم، و یرمی بالتفسیر فی مسامعهم و یغبقون كأسَ الحکمۃ بعدالصبح»؛ ۲۰ سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند، و چون شمشیرها صیقل می خورند، دیده هایشان با قرآن روشنایی می گیرند و در گوش هایشان تفسیر قرآن طنین افکننده و در صبحگاهان و شامگاهان جام های حکمت سر می کشند. ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نورانی کلام حضرت آورده است: وصف این گروه آن است که پرده از جان آنان برداشته شده، معارف الهی در دل هایشان ایجاد می شود و درک اسرار باطنی قرآن به آنان الهام می گردد و جام حکمت را در هر صبح و شام سر می کشند و بدین سان، معارف ربّانی و اسرار الهی همواره بر قلب آنان افاضه می گردند و آنان کسانی اند که بین پارسایی و شجاعت و حکمت جمع نموده و سزاوارند که یاور ولی الهی باشند که قرار است بیایند. ۲۱

اما در تحلیل این کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) به طور خلاصه باید گفت: حضرت به دو ویژگی مهم یاران مهدی موعود(علیه السلام) اشاره نموده است:

الف. ویژگی های فرهنگی

چون حضرت مهدی(علیه السلام) برای اجرای عدالت و اصلاح بشر در تمام شئون وجودی آن قیام می کند، لازم است کارگزاران دولت کریمه او بدین وصف، که نقش اساسی در پیشبرد اهداف الهی حضرت دارد، مجهز باشند؛ زیرا اگر درک معرفت و حکمت نداشته باشند چگونه می توانند مسئولیتی بر عهده بگیرند که علم و معرفت در آن اساس کار است؛ چرا که اصلاح و هدایت بر آگاهی و شناخت استوار است و چون در دوران ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) اصلاح امور در تمام ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن در سایه احیا و ظهور حقیقت اسلام و معارف زلال قرآن کریم تأمین می



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰۰-۷۷۸۶ISSN

شود، پس مجریان این برنامه بزرگ جهانی نیز باید از بالاترین معرفت و آگاهی نسبت به رهاورد وحی و حقایق قرآنی برخوردار بوده، جام معرفت و زمزم توحید را عاشقانه سرکشیده، مهذب و خودساخته باشند تا بتوانند به اصلاح دیگران اقدام کنند؛ چنان که حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در روایت دیگری در تبیین سیمای توحیدی و معنوی یاران حضرت مهدی(علیه السلام) می فرماید: «وَيَحَا لِلطَّالِقَانِ، فَإِنَّ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ ۲۲ خداوند در سرزمین طالقان گنجینه هایی دارد که از طلا و نقره نیستند، بلکه مردان مؤمن اند که خدا را خوب می شناسند و آن ها یاران مهدی در آخرالزمان هستند.

در این حدیث نیز بر معنویت یاران مهدی موعود(علیه السلام) و معرفت و توحید آنان تأکید شده و بزرگ ترین صفت شاخص آنان را ایمان و معرفت حق دانسته است. پس معلوم می شود کسانی که می خواهند جزو یاران او محسوب شوند (چه توفیق درک حضور پیدا کنند و چه در عصر غیبت آن حضرت در جهت اهداف او حرکت نمایند) اولین قدم و اساسی ترین کارشان باید تحصیل معرفت و حکمت و تهذیب و خودسازی باشد، وگرنه بسیاری کسانی که ادعای پی روی و شاگردی حضرت مهدی(علیه السلام) دارند، اما لکه ننگی هستند بر دامان او! چه بسا گفتار و کردارشان باعث دل سردی مردم از معنویت و اهداف آن حضرت شود.

ب. ویژگی نظامی

نکته دیگر، که در کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) در نهج البلاغه در وصف یاران حضرت مهدی(علیه السلام) مورد اشاره قرار گرفته، آن است که یاران آن حضرت برای در هم کوبیدن فتنه ها و اصلاح در تمام ابعاد زندگی بشر همچون شمشیر صیقل زده با صلابت، قدرت و پر حرارت و کوبنده وارد صحنه کارزار می شوند؛ چون سنت الهی بر آن است که کارها از راه عادی و مجرای معمولی و طبیعی انجام گیرند، گرچه معجزه و کرامت و دعا لازم و مؤثرند و در جای خود اعمال می شوند، اما قرار نیست همه کارها از طریق غیرطبیعی انجام شوند. بدین روی در روایات، بر قدرت شمشیر حضرت مهدی(علیه السلام) اصرار شده و در رهاورد بزرگان اهل معرفت نیز از شمشیر حضرت مهدی(علیه السلام) زیاد سخن به میان آمده است. ۲۳ این مسئله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰۰-۷۷۸۶ISSN

حکایت از آن دارد که اجرای عدالت و اصلاح جامعه بشری در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، نیازمند قدرت و توان برتر و بالاتری است و حضرت با یاران پر صلابت و پر تلاش وارد صحنه اصلاح و هدایت بشری شود.

بدین روی، در روایتی از حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) رسیده که یاران حضرت مهدی(علیه السلام) همه جوان و پرتراوت هستند: «اصحابُ المهدی شبابٌ ولا کهلَ فیهم» یاران مهدی همه جوان هستند و پیرمردی در میان آنان نیست.

در روایتی دیگر آمده است: «یک رزمنده از یاران حضرت مهدی(علیه السلام) برابر چهل نفر قدرت دارد و قلب هر کدام از آن ها از کوه آهن سخت تر است و هرگاه در برابر کوه آهن قرار گیرند آن را متلاشی می کنند.» از این گونه روایات، که تعدادشان نیز فراوان است، به خوبی معلوم می شود که یاران حضرت مهدی(علیه السلام) به سلاح علمی و عملی فوق العاده مجهزند و با حکمت و معرفت و علم و درایت کامل، به اصلاح امور و تعدیل شئون زندگی بشر می پردازند. بدین روی، در یک جمله می توان گفت: یاران حضرت مهدی(علیه السلام) کسانی اند که خود صالح هستند و به اصلاح دیگران قیام می کنند و از این راه، جامعه صالح جهانی پدید آمده و وعده الهی، ۲۶ که حکومت و وراثت زمین را از آن صالحان دانسته است، به تحقق خواهد پیوست.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

منابع:

- ۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴
- ۲- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، بنیاد رسالت، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۵۱، کتاب «الحجة» باب «انّ الارضَ لاتخلوا من حجة» <<
- ۳- شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، حکمة الاشراق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲
- ۴- نهج البلاغه، خطبه ۵۱۳۸
- ۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، بند ۶۳
- ۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۷۴۱۶
- ۷- محمدبن علی بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، دارالحدیث، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۶، ص ۹۲۸۶